

بررسی منظومه آرش کمانگیر اثر سیاوش کسرایی از دیدگاه نقش‌گرایی (فرانقش‌متنی)

دکتر حسین رضویان

استادیار - عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان

اعظم میرزایی

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی - دانشگاه سمنان

چکیده

فرانقش‌متنی از فرانقش‌های مطرح نظریه نقش‌گرایی هلیدی است و به کاربرد زبان در سازمان‌دهی متن مربوط می‌شود؛ در پژوهش حاضر، انواع آغازگر و پایان‌بخش و همچنین ساخت اطلاعی (اطلاع کهنه و اطلاع نو) در این شعر بررسی شده است. در این منظومه در مجموع ۲۲۲ آغازگر وجود دارد، که میزان آغازگرهای ساده در مقایسه با آغازگرهای مرکب تقریباً دو برابر (۶۲ درصد در برابر ۳۰ درصد) بوده است. همچنین نسبت آغازگرهای بی‌نشان در مقایسه با آغازگرهای نشان‌دار (۶۰ درصد در برابر ۴۲ درصد) بیشتر بوده است. این منظومه آغازگرهای متأخری نیز دارد، که تعداد آن‌ها ۸ درصد کل آغازگرها بوده است. در برخی از بندها آغازگر محذوف است، که تعداد آن‌ها در کل ۳۲ آغازگر محذوف بوده است. در کل پایان ۲۳۶ پایان‌بخش و ۲۵ پایان‌بخش محذوف در شعر وجود دارد. بررسی ساخت اطلاعی بندها نشان می‌دهد در بیشتر موارد، ساخت اطلاع نو با آغازگر و ساخت اطلاع کهنه با پایان‌بخش مطابقت دارد. واژگان کلیدی: نظریه نقش‌گرایی هلیدی، فرانقش‌متنی، آغازگر، پایان‌بخش، اطلاع نو، اطلاع کهنه، سیاوش کسرایی، آرش کمانگیر

۱- مقدمه

مقاله حاضر در چارچوب نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی (M.A.K Halliday) و دستور نقش‌گرایی نظام‌مند (systemic functional grammar) (SFG) انجام شده است. دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی رویکردی معنا بنیاد است؛ به اعتقاد هلیدی محور مطالعه نقش‌گرایی، بند و متن است. از این منظر مهمترین و اصلی‌ترین نقش زبان، ایجاد ارتباط و انتقال معناست. در این نظریه سه لایه معنایی یا فرانقش (metafunction) مطرح می‌شوند که عبارتند از فرانقش اندیشگانی یا تجربی (experiential metafunction)، فرانقش بینافردی (interpersonal metafunction) و فرانقش متنی (textual metafunction). در این پژوهش، ما فرانقش متنی را بررسی کرده‌ایم. در فرانقش متنی آغازگر (theme) و پایان‌بخش (rheme)، از ابزارهای ساختاری ایجاد گفتمان و متن در کنار ساخت اطلاع و ابزارهای غیر ساختاری انسجام به شمار می‌روند. که ابزار غیرساختاری انسجام خود شامل ارجاع، حذف و جایگزینی، ادات ربط و انسجام واژگانی می‌باشند. در پژوهش حاضر، انواع آغازگرها را مورد بررسی قرار داده‌ایم. بررسی آغازگر در متن (در اینجا شعر آرش کمانگیر) اهمیت بسیار دارد، زیرا آغازگر یک متن، هدف نویسنده یا گوینده را روشن می‌کند و موضوع بحث را نشان می‌دهد و همچنین ساخت اطلاعی را بررسی مورد قرار داده‌ایم.

۲- پیشینه تحقیق

در این بخش از مقاله، پژوهش‌هایی را معرفی می‌کنیم که در آن‌ها، داده‌ها تنها از منظر فرانقش متنی دستور نقش‌گرای هلیدی بررسی شده‌اند. البته این نکته قابل ذکر است که هیچ‌یک از این پژوهش‌ها درباره‌ی شعر آرش کمانگیر نبوده است.

نبوی (۱۳۷۳) در بررسی شعر، از دستور نظام‌مند هلیدی استفاده کرده و این نظام دستوری را دستور سازگانی نامیده است. وی پس از بررسی فرانقش بینافردي و متنی در شعر، بدین نتیجه دست یافته است که عناصر شعری صرفاً از نوع بیانی نیستند؛ بلکه عناصری بیانی - گفتمانی - یا رفتاری‌اند.

خان‌جان (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان "دستور نقش‌گرای نظام مند هلیدی و مفهوم نشان داری (markedness) در ساخت متنی زبان" این پرسش را مطرح کرده که آیا معیار دوگانه‌ی تطبیق (مبتدا/اطلاع کهنه) و (خبر/اطلاع نو) می‌تواند به شکلی که هلیدی ادعا کرده، در تشخیص بندهای بی نشان از نشان‌دار، اعتبار جهانی داشته باشد؛ سپس به این پرسش، پاسخ منفی داده و گفته است ترتیب آرایش سازه‌ای نمی‌تواند ملاک تحلیل نشان‌داری در ساختار متن باشد و از آنجا که در زبان فارسی می‌توان فاعل را حذف کرد، معیار بسامد وقوع در تشخیص بندهای بی نشان، توجیه‌پذیر نیست؛ خان‌جان همچنین نتیجه گرفته است که نشان‌داری در ساخت زبان، مفهومی زبان ویژه است.

کاووسی‌نژاد (۱۳۸۱) بر اساس دیدگاه هلیدی در کتاب درآمدی بر دستور نقش‌گرا (۱۹۸۴ و ۱۹۸۵) رساله دکتری خود را با عنوان ساخت مبتدا - خبری در زبان فارسی و اهمیت آن در ایجاد انسجام در متن، نگرشی نقش‌گرا نگاشته و در آن، به جای اصطلاح آغازگر - پایان بخش از اصطلاح مبتدا - خبر استفاده کرده است. وی ۱۱۰۰ بند ساده را از کتاب‌ها، مجله‌ها، روزنامه‌ها و نیز گونه‌های مختلف داستانی، علمی، آموزشی و روزنامه‌ای، به صورتی کاملاً تصادفی انتخاب، استخراج و تجزیه و تحلیل کرده و در برخی موارد، گفتگوهای دوستانه و شم‌زبانی را هم به کار گرفته است.

پهلوان‌نژاد (۱۳۸۳) ساختمان بند را در زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و از سه منظر توصیف و تحلیل کرده است: بند از منظر فرانقش بینافردي، بند از منظر فرانقش تجربی و بند از منظر فرانقش متنی. نویسنده پس از تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیده است که اگرچه نظریه‌ی هلیدی به طور کلی، قابل تعمیم به زبان فارسی است و توصیف زبان فارسی بر اساس این رویکرد، در مقایسه با نظریه‌های کاملاً صوری، حالتی واقع بینانه‌تر دارد، در مواردی هم این زبان با ویژگی‌های مطرح شده در نظریه‌ی هلیدی به صورت کامل منطبق نیست. از منظر فرانقش متنی، وی جمله‌هایی مانند «خوابیدم»، «بهتر است» و «تشنه‌ام» را در زبان فارسی نشان داده که ساخت مبتدا - خبری ندارند. پهلوان-نژاد معتقد است در این جمله‌ها نمی‌توان مبتدا را بازشناخت و اگر شناسه را مبتدای آن‌ها بدانیم، نظر ما با اصول دستور نظام‌مند مخالف خواهد بود؛ زیرا در این حالت، مبتدا پس از خبر آمده است.

شهیدی (۱۳۷۸) مبتدا سازی را در زبان فارسی بررسی کرده و ضمن تعریف مفهوم مبتدا (آغازگر) نشان داده است که مبتداسازی در زبان فارسی، با دگرگون کردن آرایش بی‌نشان جمله، به ایجاد مبتدایی نشان‌دار و ثانویه منجر می‌شود، در این حالت، عنصر مبتدا شده همواره اطلاعی آشناتر را برای شنونده دربردارد و این مسئله، نشانگر نوعی قاعده‌مندی و محدودیت است که شرط فصاحت جمله را در این فرآیند توضیح می‌دهد.

شهرکی (۱۳۸۵) شعر کودک را از منظر نقش‌گرای هلیدی بررسی کرده است. وی هر سه فرانقش بینافردي، متنی، تجربی را تحلیل کرده و نتیجه گرفته است که از نظر فرانقش بینافردي، وجه خبری، وجه غالب به شمار می‌رود، از نظر فرانقش متنی، آغازگر بیشتر جمله‌ها از نوع نشان‌دار است و به لحاظ فرانقش تجربی نیز پربسامدترین فرآیندهای موجود در این شعرها، از نوع رابطه‌ای و مادی‌اند.

بررسی منظومه آرش کمانگیر اثر سیاوش کسرای از دیدگاه نقش‌گرایی (فراقش متنی)/ ۱۰۰۵

کاظمی (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود، آغازگر و پایان بخش را در شش کتاب و نوزده مقاله از متون علمی فارسی و انگلیسی بررسی کرده است. او ضمن تحلیل ساخت آغازگری - پایان بخشی، نشان‌داری آغازگر را در زبان‌های فارسی و انگلیسی بررسی کرده و وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها را نشان داده است.

لاک (۱۹۹۶) در پژوهش‌های خود، به این نتیجه رسیده است که در زبان ایتالیایی، معیار آرایش سازه‌ها در تشخیص مبتدای نشان‌دار و بی‌نشان و بر اساس بسامد وقوع، دقیق نیست. در گونه گفتاری زبان ایتالیایی، بسامد وقوع مفعول در جایگاه مبتدای جمله بیشتر است، ولی در گونه نوشتاری این زبان، بسامد وقوع فاعل در جایگاه آغازین بیشتر است. کرین (۲۰۰۶) در مقاله خود با عنوان «متنیت در متن: تحلیل کلام یک مقاله ی خبری...»، تعریف هلیدی و حسن را از متن مطرح کرده است. این دو زبان‌شناس، متن را یک تکه نوشتاری یا گفتاری معتبر می‌دانند و معتقدند انسجام متن و متنیت، عاملی است که متن را معنادار می‌کند و در عین حال، یکی از سه فرانش خالق معنا در زبان نیز هست. در این مقاله، اصول ارجاع، جایگزینی، حذف، ربط و انسجام واژگانی معرفی و نقش آن‌ها در شکل‌گیری معنای کلی متن روشن شده است.

گومز (۱۹۹۵) معتقد است الگوهای انتخاب آغازگر و محتوای تجربی مبتداها بسیار پیچیده هستند و میزان پیچیدگی آن‌ها به اهداف متن بستگی دارد؛ مثلاً داستان‌ها فقط روایت وقایع نیستند؛ بلکه ارزیابی نویسنده از حوادث را هم نشان می‌دهند و رویدادهایی دیگر را که ممکن بود رخ بدهد برای ما روشن می‌کنند. این نوع تغییرهای مربوط به اهداف متن، در آغازگر انعکاس یافته است.

۳- چارچوب نظری

زبان‌شناسی نقش‌گرا (Functional Linguistics) یکی از سه نگرش مسلط زبان‌شناسی نظری است. این رویکرد زبان‌شناسی به انواع و زیر مجموعه‌های گوناگونی چون دستور پیدایشی (Emergent Grammar=EG)، دستور نقش و ارجاع (Role and Reference Grammar=RRG) و دستور نظام‌مند (Systemic Grammar) تقسیم می‌شود. دستور نقش‌گرایی نظام‌مند (SFG) با مؤلفه‌ای شروع می‌شود که روح نقش‌گرایی و تجربه‌گرایی است و این مؤلفه خود جزئی از زبان نیست و بافت (context) نام دارد، بافت دانش زبانی نیست بلکه در زبان تجلی و تعین پیدا می‌کند. در زبان‌شناسی صورت‌گرا جمله مهم‌ترین واحد مطالعه و تحلیل است ولی در زبان‌شناسی نقش‌گرا، متن مهم‌ترین واحد قلمداد می‌شود که ممکن است جمله یا بند و یا واحدهای بزرگتر و کوچکتر از آن باشد. محور مطالعه نقش‌گرایی بند و متن است و هر بندی بازنمایی سه گونه معنا را حتماً دارد - بینافردی، اندیشگانی (با دو مؤلفه معنی تجربی و منطقی) و متنی - که معروف به فرانش‌ها (نقش‌های معنایی) هستند. هر فرانش از طریق انتخاب-هایی از سیستم‌های اصلی در لایه واژگان - دستور (lexico - grammar) تشخیص داده می‌شود، فرانش تجربی با انتخاب گذرایی، فرانش بینافردی از طریق انتخاب وجه‌ها و فرانش متنی از طریق انتخاب آغازگرها مشخص می‌شوند (Halliday, 2004:114).

فرانش متنی (textual metafunction) زبان به کاربرد زبان در سازمان‌دهی متن مربوط می‌شود یعنی زبان بین آنچه گفته یا نوشته می‌شود و دنیای واقع از یک سو و دیگر رویدادهای زبانی از سوی دیگر ارتباط برقرار می‌کند. زبان میان خود و بافت برقرار می‌کند تا به تناسب بافتی که در آن جاری می‌شود و با توجه به ویژگی‌های مترتب بر آن بافت، متن‌آفرینی کند. چرا که متن است که حامل معنا و وسیله انتقال معناست. در فرانش متنی، هر بند از گفته‌ها و یا هر جمله از نوشته‌ها دارای ساختار قلمداد می‌شود، پس و پیش شدن و یا در آغاز یا پایان بودن عناصر و سازه‌های زبانی در

آن‌ها معنادار و مهم تلقی می‌گردد و به بررسی و چینش آن‌ها پرداخته می‌شود. در این فرآیند، بند به عنوان پیام مطرح است و ساختاری که بند به عنوان پیام دارد، ساختار آغازگری - پایان بخشی نامیده می‌شود. یعنی ساخت آغازگری ماهیت بند را به عنوان پیام شکل می‌دهد. هلیدی آغازگر را با توجه به جایگاه آغازی آن در بند، به پیروی از مکتب زبان شناسی پراگ «نقطه‌ی عزیمت پیام، و چیزی که جایگاه و سمت و سوی بند را در بافت آن تعیین می‌کند»، تعریف کرده است. او همچنین به پیروی از آموزه‌های مکتب پراگ هر آن چیز دیگری را که پس از جداساختن آغازگر از پیام به جای می‌ماند را پایان بخش نامیده و نتیجه گرفته است که بند، به عنوان ساخت انتقال دهنده پیام، متشکل از آغازگری است که پایان بخشی را همراهی می‌کند (هلیدی و متیسن ۲۰۰۴: ۶۴-۶۵). پس فرآیند متنی خود از دو نقش کلی تشکیل می‌شود: آغازگر (مبتدا) و پایان بخش (خبر). هر عنصری که در ابتدا بیاید، آغازگر است و به نشانه‌ای دیگر مانند حروف اضافه و یا حروف تعریف (معرفه و نکره) نیاز ندارد. پس آغازگر، اولین سازه بند/ جمله است که در ساخت تجربی آن نقش دارد. این سازه باید تجربی باشد تا آغازگر اصلی محسوب گردد؛ یعنی باید یا مشارک (participient) باشد یا افزوده حاشیه‌ای (circumstantial adjunct) و یا فرآیند که همان فعل اصلی است. مشارکان عبارتند از وابسته‌های اصلی و اجباری فعل اصلی جمله یا بند مانند فاعل و مفعول. افزوده‌های حاشیه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند: گستره (Extent) شامل انواع مکانی، زمانی و بسامدی؛ نقطه (point) شامل انواع مکانی و زمانی؛ روش و شیوه (Manner) شامل وسیله، حالت، قیاس، درجه و شدت؛ علّت (Cause) شامل دلیل، هدف، مقصد و منفعت؛ شرط/ رویداد (Contingency) شامل شرط، اقرار، اعتراف، احتمال و وضعیت رخ دادن یک روی داد؛ همراهی (Accompaniment) مشتمل بر به همراه، به اتفاق، به علاوه و با هم؛ عنوان و نقش (Role) مشتمل بر به عنوان؛ در لباس، و محصول؛ موضوع (Matter) شامل درباره، در باب و در مورد؛ و زاویه یا منظر (Angle) مشتمل بر از نظر، از منظر، به نقل از و ... (هلیدی ۲۰۰۰: ۱۵۱-۱۵۸).

۴- ارائه و طبقه‌بندی داده‌ها

با توجه به چارچوب مطرح شده، داده‌های منظومه آرش کمانگیر در این بخش بررسی می‌شوند.

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

۴-۱- بررسی فرآیند متنی

رایج‌ترین نوع آغازگرها مشارکان هستند. آغازگر می‌تواند گروه اسمی و یا هر نوع گروه دیگری مانند گروه قیدی باشد. تشخیص آغازگر بدین صورت است که اگر اولین سازه جمله یا بند، یکی از سه عنصر یاد شده (مشارک و افزوده حاشیه‌ای و فرآیند یا فعل اصلی) باشد، آن عنصر، آغازگر بند است و بقیه بند، پایان بخش محسوب می‌شود. در مثال‌های زیر به آغازگرها (کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است) توجه کنید.

برف می‌بارد؛

برف می‌بارد به روی خار و خارا سنگ.

کوه‌ها خاموش،

دره‌ها دلتنگ،

راه‌ها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ...

«منم... آرش،»

چنین آغاز کرد آن مرد با دشمن؛ (که در اینجا آغازگر متأخر است)

بررسی منظومه آرش کمانگیر اثر سیاوش کسرای از دیدگاه نقش‌گرایی (فراش متنی) / ۱۰۰۷

هلیدی (۲۰۰۰) انواع آغازگرها را به صورت شبکه‌ای معرفی کرده است، با توجه به این شبکه آغازگر با سه سیستم مهم سر و کار دارد: انتخاب نوع آغازگر (ساده یا مرکب/چندگانه) (simple and multiple theme)، انتخاب آغازگر بی‌نشان (unmarked) یا نشان‌دار (marked) و انتخاب آغازگر اسنادی شده (predicated) یا غیراسنادی شده (unpredicated).

آغازگر ساده و مرکب/چندگانه

اگر اولین سازه آغازکننده بند، به تنهایی مشارک یا افزوده حاشیه‌ای یا فعل اصلی باشد، آغازگر ساده خواهد بود؛ مانند:

مرزهای مُلک،

همچو سرحدات دامن گستر اندیشه، بی‌سامان.

دشمنان بگذشته از سرحد و از باور...

اما اگر پیش از این آغازگر، عناصری از فرانش‌های بینافردی و متنی، یعنی عناصر غیر تجربی بیابند، آغازگر از نوع مرکب است. مانند:

هیچ سینه کینه‌ای در بر نمی‌اندوخت.

هیچ دل مه‌ری نمی‌ورزید.

از میان دره‌های دور، گرگی خسته می‌نالید.

آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار

هرگاه در یک بند، فاعل در جایگاه آغازگر و نقطه آغاز کلام واقع شود آغازگر بی‌نشان نامیده می‌شود،

کودکان بر بام؛

دختران بنشسته بر روزن؛

مادران غمگین کنار در؛

مردها در راه.

در غیر این صورت، یعنی با حضور سازه‌هایی غیر از فاعل در جایگاه آغازگر، بند نشان‌دار خواهد بود، چون در این وضع، حالت به اصطلاح خنتای بند به هم می‌خورد و چینش عادی کلام را دگرگون می‌کند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۳).
مانند:

شامگاهان،

راه جویانی که می‌جستند آرش را به روی قله‌ها، پی‌گیر،

بازگردیدند،

بی‌نشان از پیکر آرش،

با کمان و ترکشی بی‌تیر.

با دهان سنگ‌های کوه آرش می‌دهد پاسخ.

در جمله‌های خبری، نوع آغازگر به نوع وجه بند و جمله وابسته است. در جمله‌های خبری این زبان و در حالت بی‌نشان، آغازگر فاعل دستوری است؛ در جمله‌های امری و در حالت بی‌نشان، آغازگر فعل امری است مانند:

برآ، ای خوشه خورشید!

تو جوشان چشمه‌ای، من تشنه‌ای بی تاب

برآ، سرریز کن، تا جان شود سیراب.

و در جمله‌های پرسشی پرسش‌واژه‌ای و در حالت بی‌نشان، آغازگر پرسش واژه است (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۴).
مانند:

کدامین نغمه می‌ریزد،

کدام آهنگ آیا می‌تواند ساخت،

طنین گام‌های استواری را که سوی نیستی مردانه می‌رفتند؟

در بندهای خبری اگر آغازگر فاعل نباشد آغازگر از نوع نشان‌دار محسوب می‌شود؛ مانند آغازگرهای قیدی یا حرف اضافه‌ای و یا به ندرت آغازگر متممی (در زبان‌های فارسی و انگلیسی) (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۳). مانند:

به نیرویی که دارد زندگی در چشم و در لبخند،

نقاب از چهره ترس آفرین مرگ خواهم کند.

نیایش را، دو زانو بر زمین بنهاد

به سوی قله‌ها و بستان ز هم بگشاد.

در بندهای تعجبی نیز ساخت آغازگری - پایان بخشی وجود دارد. در زبان انگلیسی آغازگر این بندها به طور معمول و بی‌نشان عنصر پرسشی تعجبی است (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۳).

فاعل مستتر یا محذوف در جمله‌های خبری زبان فارسی، آغازگر بی‌نشان است. مثلاً در جمله «در گشودندم» فاعل محذوف (آن‌ها) آغازگر است و بقیه جمله پایان‌بخش است و یا ضمیر محذوف من در بندهای زیر:
پیش می‌آیم.

دل و جان را به زیورهای انسانی می‌آرایم.

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

۴-۲- ساخت اطلاعی بند

اگر ویژگی دربارگی (aboutness) را اساس ساخت آغازگر - پایان بخش بدانیم، پویایی ارتباطی و شناختگی اساس ساخت اطلاعی است، این تمایزی است که هلیدی میان این دو ساخت قائل شده است؛ اگرچه این ساخت‌ها، هر دو نقش متنی دارند. این نظام به بند مرتبط نمی‌شود بلکه با واحد دستوری مجزایی مرتبط است که واحد اطلاعی (information unit) نامیده می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۸۸). ساخت اطلاعی بند پیوستاری است میان آنچه تا کنون شناخته شده یا قابل پیش بینی و آن چه ناشناخته و غیر قابل پیش بینی است. دو عنصر اصلی این ساخت «اطلاع کهنه» (given information) و «اطلاع نو» (new information) هستند. اطلاعات کهنه، اطلاعاتی هستند که آشنا هستند یعنی قبلاً در متن به آن‌ها اشاره شده است و اطلاع نو در متن سخن از آن به میان نمی‌آید و نمی‌توان آن را از سخن قبلی استخراج کرد و برای شنونده یا مخاطب آشنا نیستند در حالی که اطلاع کهنه برای شنونده یا مخاطب آشنا است. بنابراین ساخت اطلاعی، ساختی مخاطب محور (address oriented) است و ساخت آغازگر- پایان بخش گوینده محور است.

بررسی منظومه آرش کمانگیر اثر سیاوش کسرای از دیدگاه نقش‌گرایی (فراش متنی) / ۱۰۰۹

شیوه‌ی بازشناسی اطلاع کهنه و نو بر این اساس صورت می‌گیرد: ۱- اطلاع نو دارای برجستگی (prominence) نواختی است؛ ۲- اطلاع کهنه معمولاً پیش از اطلاع نو می‌آید که حالت بی‌نشان آن را رقم می‌زند. (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۸۸-۹۰) مانند:

کوه‌ها خاموش،
دره‌ها دلتنگ،

در اینجا کوه‌ها و دره‌ها اطلاع کهنه هستند و خاموش و دلتنگ اطلاع نو هستند.

به ساخت اطلاعی در بندهای زیر توجه کنید:

درین پیکار، (اطلاع نو)

در این کار، (اطلاع کهنه)

دل خلقی است در مشتم، (اطلاع نو)

امید مردمی خاموش هم پشتم. (اطلاع نو)

اما متنیت متن تنها بر این دو ساخت - آغازگر - پایان بخش و اطلاع کهنه و نو - استوار نیست بلکه وجود مناسبات دیگری درون آن ضرورت می‌یابد. این مناسبات غیرساختاری‌اند و «انسجام» نامیده می‌شود.

۴-۳- تحلیل و روایت شعر

آرش کمانگیر اثر سیاوش کسرای، نخستین منظومه حماسی است که در دلیران به سبک نو و با دیدی نو سروده شده است. کسرای خود را از چارچوب تنگ و فقیر داستان زندانی نکرده، پیش از داستانسرای و شرح حرکات پهلوانی در تجسم حال و روح و محیط کوشیده است. این منظومه به طور دقیق و واقعی تحولات و نابسامانی‌ها و شکست‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.

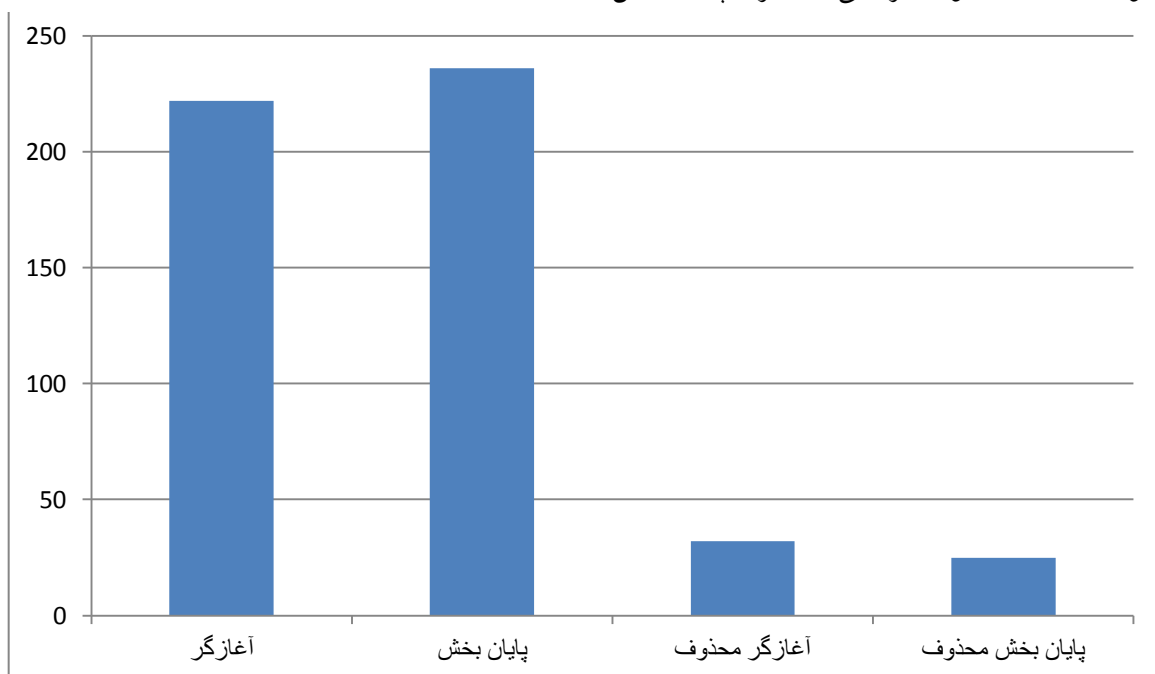
منظومه آرش با توصیف و ستایش طبیعت شروع می‌شود. واژه‌ها در حالتی از جذب و سماع به پای‌کوبی می‌پردازند، از خود بی‌خود می‌شوند، به زیبایی به سجده می‌برند و در حالتی از شیدایی برکت زیبایی را در خوشه‌های سرشار «زندگی» درو می‌کنند.

خود شاعر، سیاوش کسرای، انگیزه سرودن منظومه آرش کمانگیر را چنین بیان می‌کند: «اولین بار که اوستا را خواندم، سرگذشت مردی در زمان پادشاهی منوچهر، که در زمان او مردم ایران چندین سال در محاصره تورانیان و افراسیاب بودند، توجهم را جلب کرد. مردم تقاضای صلح می‌کنند و این به خاطر گرسنگی و قحطی ناشی از محاصره بوده است. افراسیاب می‌گوید بیایم غرور ملی این‌ها را بشکنیم تا دیگر هوس جنگ نکنند. پس پیشنهاد می‌شود که از بالای البرز کوه یک تیرانداز ایرانی تیری بیندازد و هر جا که تیره زمین نشست، همان جا مرز ایران و توران شود. البته واضح است که قدرت پرش یک تیر تا کجا محدود است. آرش داوطلب این مهم می‌شود. او تا انتهایتین نقطه ممکن تیر را پرتاب کرد. البته تعبیر زیبایی برای این موضوع قائل شده‌اند که شاعرانه هم هست. از جمله این که آرش یک نی را پُر از شبنم می‌کند و آن را در مقابل خورشید پرتاب می‌کند. چون خورشید جذب‌کننده شبنم است، این تیر فاصله زیادی را طی می‌کند. تعبیر زیبا و شاعرانه‌ای است. اما من این زیبایی را به نفع ملت‌م کنار می‌گذارم و می‌گویم او جانش را در تیر گذاشت. از هستی آرش غباری بر جای نمی‌ماند. مهم، گذشتن از جان بود. این شعر را من به خاطر کسانی گفته‌ام که در راه رفع مشکلات اجتماعی فداکاری کرده‌اند. (کسرای، ۱۳۸۳: ۱۳).

۵ - تحلیل و تفسیر داده‌ها:

پس از تبیین نظریه نقش‌گرایی و فرانش متنی حال به ارائه‌ی داده‌های بدست آمده از متن منظومه در قالب نمودار آماری می‌پردازیم و سپس داده‌ها را تحلیل می‌کنیم.

نمودار شماره ۱: نمودار فراوانی آغازگر و پایان بخش

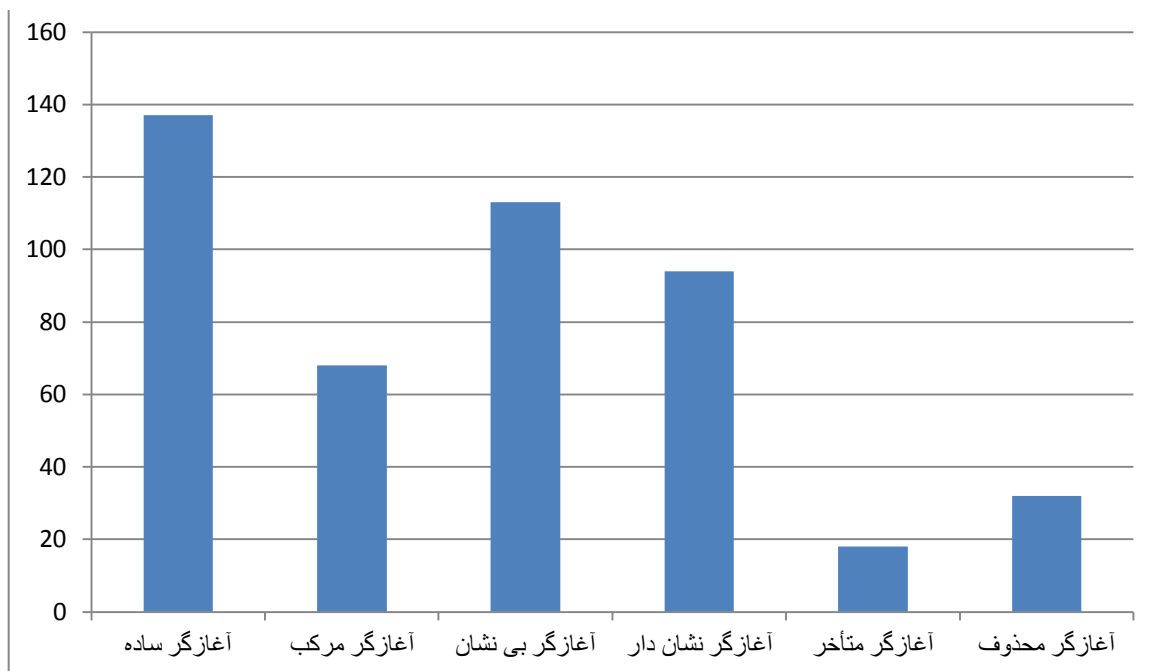


در این نمودار دو مؤلفه آغازگر و پایان‌بخش داریم که تعداد آغازگرها در مجموع ۲۲۲ آغازگر بوده است و پایان‌بخش‌ها در مجموع ۲۳۶ پایان بخش وجود دارد در کل منظومه آغازگرهای محذوف و پایان بخش‌های محذوف نیز دیده می‌شود، که تعداد آغازگرهای محذوف ۳۲ و تعداد پایان‌بخش‌های محذوف ۲۵ بوده است. در موقعیت‌هایی که ضمیر در جایگاه آغازگر بی‌نشان قرار می‌گیرد این ضمیر حذف می‌شود به عبارتی دیگر آغازگر محذوف وجود دارد که در این منظومه بیشتر در رجز آرش، ضمیر(من) حذف شده است:

مجوییدم نسب، — ضمیر شما به عنوان آغازگر محذوف می‌باشد.
 فرزندی رنج و کار. ضمیر من به عنوان آغازگر محذوف می‌باشد.
 گریزان چون شهاب از شب، ضمیر من به عنوان آغازگر محذوف می‌باشد.
 چو صبح آماده‌ی دیدار. ضمیر من به عنوان آغازگر محذوف می‌باشد.

حذف آغازگر در این رجز می‌تواند به این دلیل باشد که گوینده یعنی آرش اعتماد به نفس خود را می‌خواهد به دیگران نشان دهد و این که او برای مردم کاملاً شناخته شده است.

نمودار ۲. تعداد و فراوانی انواع آغازگرها



در تحلیل و بررسی داده‌های مربوط به انواع آغازگرها می‌توان چنین گفت که آغازگرهای ساده در برابر آغازگرهای مرکب در نظر گرفته می‌شوند که درصد آغازگرهای ساده تقریباً ۶۲ درصد و آغازگرهای مرکب تقریباً ۳۰ درصد بوده است. و آغازگرهای بی‌نشان در برابر آغازگرهای نشان‌دار در نظر گرفته می‌شوند که تعداد آن‌ها تقریباً ۶۰ درصد در برابر ۴۲ درصد بوده است. و همچنین شاهد حذف ضمائر فاعلی نیز هستیم که از آن‌ها به عنوان آغازگر محذوف نام برده شده است که در این گونه بندها به دلیل وجود قرینه معنایی و احتمال درک شنونده یا خواننده از این اشعار این گونه آغازگرها حذف شده اند که تعداد آن در کل ۳۲ آغازگر بوده است و همچنین در این منظومه آغازگرها گاهی بعد از پایان بخش قرار گرفته‌اند که از آن‌ها به عنوان آغازگر متأخر یاد شده است که در این جا بیشتر به دلیل قافیۀ شعر و یا برای تأکید و یا زیبایی آفرینی شعر از این گونه آغازگرها استفاده شده است.

”قصه می‌گوید برای بچه‌های خود عمو نوروز“

در اینجا عمو نوروز، آغازگر متأخر است. و یا می‌توان گفت هنگامی که کسی یا چیزی را مورد خطاب قرار داده است آن را به عنوان آغازگر متأخر آورده است مانند مثال‌های زیر:

جنگلی هستی تو، ای انسان!

سربلند و سبز باش، ای جنگل انسان!

و در مورد ساخت اطلاعاتی این منظومه می‌توان گفت که در این منظومه بیشتر از اطلاع نو استفاده شده است و تعداد اطلاع کهنه کمتر بوده است و همچنین می‌توان گفت در بیشتر موارد یعنی بیش از ۹۵ درصد موارد ساخت اطلاع نو با آغازگر و ساخت اطلاع کهنه با پایان‌بخش منطبق بوده است. در مواردی که با پایان بخش محذوف مواجه می‌شویم در اصل اطلاع کهنه‌ای را که شنونده یا مخاطب با آن آشنا است را از بند خود حذف کرده‌ایم.

۶ - نتیجه‌گیری

تلاش نوشتار حاضر بررسی ساختار جملات از منظر فرانش متن در منظومه آرش کمانگیر سروده سیاوش کسرای بود. در بررسی‌های انجام گرفته به این نتایج رسیدیم که با استفاده از آرایش کلمات و سازمان‌دهی و نظم خاص جملات (بندها) علاوه بر زیبایی‌آفرینی متن می‌توان به معنای خاصی دست یافت. به عبارت دیگر، هر ساختی در زبان برای اهداف خود به کار می‌رود. ساخت آغازگر- پایان بخشی و ساخت اطلاعی در این منظومه برای برجسته کردن و تجسم شرایط و مشکلات مربوط به زمان سرودن منظومه به کار رفته است و نوعی ارتباط خاص بین شنونده یا مخاطب و گوینده یا شاعر برقرار کرده است و باعث ایجاد معنا شده است. و شاعر با استفاده درست و صحیح از نوع آغازگرها، شرایط و نابسامانی را به تصویر کشیده است.

در پایان می‌توان گفت که از این پژوهش و بررسی‌ها می‌توان برای سبک‌شناسی و متن‌شناسی شاعر و برای بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های او با دیگر شاعران و نویسندگان با توجه به نحوه استفاده او از آرایش کلمات در بندها استفاده کرد. بررسی اشعار و داستان‌های دیگر به پژوهشگران علاقمند توصیه می‌شود تا از این رهگذر ابعاد جدیدی از آثار دیگر روشن گردد.

منابع

- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۳). *توصیف و تحلیل ساختمان بند در زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی*. رساله دکتري. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- خان‌جان، علی رضا (۱۳۷۹). «دستور نقش‌گرایی هلیدی و مفهوم نشان‌داری در ساخت متنی زبان». مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی. چاپ اول. تهران. صص ۲۶۴ تا ۲۸۳.
- شاهرخی شهرکی، مریم (۱۳۸۵). *بررسی شعر کودک از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرایی هلیدی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید بهشتی.
- شهیدی، نوشین (۱۳۷۸). *مبتدا/سازي در فارسي با نگاهی نقش‌گرا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- عاصی، مصطفی و نوبخت، محسن (۱۳۹۰). *تحلیل سبک‌شناسی شعر اخوان (آنگاه پس از تندر) با رویکردی نقش‌گرا*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کاظمی، فروغ (۱۳۹۰). *آغازگر و پایان‌بخش در متون علمی فارسی و انگلیسی بر پایه‌ی نظریه‌ی نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی*. رساله‌ی دکتري. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات تهران.
- کاووسی‌نژاد، سهیلا (۱۳۸۱). *ساخت مبتدا - خبری در فارسی و اهمیت آن در انسجام متن: نگرشی نقش‌گرا*. رساله‌ی دکتري. دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی. دانشگاه تهران.
- کسرای، سیاوش (۱۳۸۳). *گزینه‌ی اشعار*. تهران: مروارید.
- نبوی، محمد (۱۳۷۳). *از زبان تا شعر: یک رویافت زبان‌شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Crane, A. P. (2006). "Texture in Text: A Discourse Analysis of a News Article Using Halliday and Hassa's Model of Cohesion". Journal of School of Foreign Languages, Pp.1-131.

بررسی منظومه آرش کمانگیر اثر سیاوش کسرایی از دیدگاه نقش‌گرایی (فراش متنی) / ۱۰۱۳

- Gomez, M. (1994). "**The Relevance of Theme in the Textual Organization of B.B.C. News Reports**", In *World*. Vol. 45(3): Pp. 293- 305.
- Halliday, M.A.K &Matthiessen,C.(2004).**An Introduction to Functional Grammar**, 3rd edn,London: Arnold.
- Halliday, M.A.K(2000).**An Introduction to Functional Grammar**,2nd edn,London: Arnold.
- Lock, G.(1996).**Functional English Grammar: An Introduction for Second Language Teachers**. Jack C.Richards(ed). Cambridge University Press.



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir